روزنامه شرق

شنبه ۷ دی ۱۳۹۲ • ۲۵ صفر ۱۴۳۵ • ۲۸ دسامبر ۲۰۱۳

سال یازدهم • شماره ۱۹۱۶ • ۱۶صفحه • ۱۰۰۰ تومان

رییس دیوان عدالت اداری:

رییس دولت گذشته به مردم «دروغ» می‌گفت

گروه سیاسی: «یکی از مصیبت‌ها در دوره گذشته این بود که آقای رییس‌جمهوری محترم به مردم «دروغ» می‌گفت و قانون را علنا زیر پا می‌گذاشت.» این بخشی از صحبت‌های روز پنجشنبه رییس دیوان عدالت اداری در نشست خود با نمایندگان دفاتر استانی این دیوان است...

صفحه ۲

انفجار تروریستی در پایتخت لبنان

«محمد شطح» مشاور «سعد حریری» کشته‌شد

گروه جهان: دیروز در میانه برگزاری جشن‌های مربوط به سال نو میلادی، انفجار بمبی، مرکز پایتخت لبنان را لرزاند. یکی از جنبه‌های مهم این انفجار تروریستی، کشته‌شدن «محمد شَطح» از مقامات سابق کشوری لبنان بود. به گفته خبرگزاری رویترز، او در حال رفتن...

صفحه ۱۵

در جوابیه کمیته تحقیق و تفحص از تامین اجتماعی اعلام شد

پشت پرده کارت‌های هدیه مرتضوی به معاون احمدی‌نژاد

صفحه ۲

عکس: اصغر خاکساری

تاکید خاتمی بر پیگیری طرح روحانی

تصویب طرح «جهان عاری از خشونت و مبارزه با افراطی‌گری» موفقیتی برای ایران است

صفحه ۶

سیاست

دفاع «اردوغان» از متهم ایرانی:

«ضراب» نیکوکار است به ترکیه کمک کرد

صفحه ۳

تیترها

حجم دارایی خارجی ۲۰درصد افزایش یافت

ایجاد یک‌پنجم نقدینگی ایران در ۳ماهه اول ۹۲

صفحه ۴

اهالی فرهنگ، فراخوان دادند

واریز یارانه نقدی برای محیط‌زیست

صفحه ۱۶

در صفحات

آرمان و واقعیت در اردوگاه اصلاح‌طلبان

با آثار و گفتاری از: نجفقلی حبیبی، یعقوب حیدری غلامعلی دهقان، احمد شیرزاد، رسول منتجب‌نیا

صفحه ۷ تا ۹

حرف اول

مسوولان ناهمراه سازمان میراث

صدرا محقق . روزنامه‌نگار

وقتی حسن روحانی، محمدعلی نجفی را برای ریاست بر سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی انتخاب کرد خیلی از دوستداران، کارشناسان و خبرنگاران این حوزه‌ها نفسی از سر رضایت کشیدند چراکه رییس‌جمهور یکی از ژنرال‌هایش را به میراث فرستاده بود، اگرچه نجفی میراثی نبود اما سابقه درخشان مدیریتش در دیگر حوزه‌ها نوید روزهای خوبی را می‌داد، آن هم پس از هشت‌سال تلخی که این سازمان در دولت گذشته تجربه کرده بود. اقداماتی که در این هشت‌سال از سوی نزدیکان احمدی‌نژاد- به ترتیب مشایی، بقایی، احمدزاده، موسوی و ملک‌زاده- در این سازمان انجام شد خیلی‌ها را اعم از کارشناس، فعال بخش خصوصی، کارمند، باستان‌شناس، دوستدار میراث فرهنگی و... دلزده کرد. اما در این میان تجربه مجموعه‌ای از ناروا‌ترین برخوردها هم سهم خبرنگاران و روزنامه‌نگاران حوزه میراث فرهنگی و گردشگری شد. شکایت، اتهام دزدی از کاخ نیاوران، جوابیه‌های فاصله‌دار از اخلاق حرفه‌ای به گزارش‌ها یا خبرهای منتشرشده و ممنوعیت مصاحبه با کارشناسان؛ تنها بخشی از تجارب آنها در هشت‌سال دولت احمدی‌نژاد بود. وقتی نجفی به سازمان آمد خبرنگاران هم مثل خیلی‌های دیگر به این امید خوشحال شدند که پس از سال‌ها، روابط عمومی سازمان میراث فرهنگی با تغییر رویکرد و بهبود سازوکار دست‌کم زخم‌های باقیمانده از هشت‌سال گذشته را تسلی خواهد داد.

ادامه در صفحه ۱۴

سرمقاله

گامی فراپیش برای زیستن

احمد پورنجاتی . فعال سیاسی و فرهنگی

گفته بودی: «گاهی به آسمان نگاه کن!» اما نه، این‌روزها انگاری نه آسمان، دیدن دارد و نه زمین چندان حال و روزی مناسب برای تماشاکردن و خوش‌زیستن! به‌گمانم آنچه در هیاهوی دلمشغولی‌های گونه‌گون سیاسی و اقتصادی جامعه و از این دست گرفتاری‌های بی‌پایان، یا به فراموشی سپرده شده یا اولویت دست‌چندم پیدا کرده، سرنوشت زیستگاه همه ما«ایران» است. زندگی‌کردن یا زنده‌ماندن؟ پرسش اصلی این است! نادیده نمی‌گیرم که سال‌هاست برای بحران آلودگی هوا و نابودی جنگل‌ها و خشک‌شدن دریاچه‌ها و تغییرات بی‌رحمانه طبیعت اقلیمی سرزمینمان«نالیده‌ایم». همه. دولت و ملت، عالم و عامی. می‌دانم چه نشست‌وبرخاست‌ها و کمیسیون و اجلاس‌ها و شعار و برنامه‌ها و البته بودجه و هزینه‌ها که به نام حفاظت از محیط‌زیست «مصرف و مصروف» فرموده‌ایم اما دریغ از اندکی بهبود در وضعیت بیماری که«مادر» همه ماست، ایران سرزمین ماست. در این مجال قصد ندارم فهرست بلندبالای چالش‌های زیست‌محیطی کشورمان را به رخ خواننده این نوشته در هرجای این مرز و بوم بکشم.

ادامه در صفحه ۲

پیش‌نیاز «جهان عاری از خشونت»

جلیل سازگارنژاد
نماینده سابق مجلس شورای اسلامی

در سال ۱۳۸۰ رییس وقت پارلمان آلمان که به ایران سفر کرده بود، درخواست دیدار با یکی از علمای تراز اول کشور را داشت که پس از طرح موضوع با ریاست مجلس و اعضای هیات‌رییسه، مقرر شد در خلال سفرش به شیراز با آیت‌الله حائری‌شیرازی از علمای مبارز آن سامان که سابقه نمایندگی مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری را در کارنامه داشت و مولف چند کتاب و مسلط به زبان انگلیسی بود، ملاقات کند. در این دیدار جالب، پس از تعارفات اولیه، رییس مجلس آلمان که خود از شخصیت‌های ممتاز فلسفی آن کشور محسوب می‌شد از آیت‌الله حائری پرسید: آیا شما طرح گفت‌وگوی تمدن‌های مطرح‌شده از سوی آقای خاتمی را قبول دارید؟ در پاسخ، آقای حائری‌شیرازی با ذکر مقدمه‌ای طولانی گفتند: پیشنهاد آقای خاتمی درواقع برآمده از بینش پیامبر اسلام و معصومین علیهم‌السلام است که بر اصل گفت‌وگو و تبادل نظر و اندیشه به‌جای تخاصم و دشمنی، تاکید دارد و ما هم آن را قبول داریم که بلافاصله رییس مجلس آلمان پرسید چرا این گفت‌وگو را که در سازمان ملل هم به اتفاق آرا به تصویب رسیده، در داخل کشور و از خودتان شروع نمی‌کنید! بحث و تبادل‌نظر در این خصوص چند ساعت به طول انجامید که در این مقال و مجال، در پی طرح آن نیستم. اما مراد من از طرح این موضوع، سخنی کوتاه درباره پیشنهاد ارزشمند رییس‌جمهور، دکتر روحانی، در سازمان ملل با عنوان جهان عاری از خشونت است؛ پیشنهاد باارزشی که آن‌هم با رای قاطع کشورها به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید، اما پرسش اساسی این است که چرا این پیشنهاد ارزنده قبل از اجرایی‌شدن آن در عرصه بین‌المللی در داخل کشور مورد توجه قرار نگیرد؟ آیا بایسته نیست که کشور پیشنهاددهنده این موضوع مهم، خود آیینه تمام‌نمای آن باشد؟ (چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است) آیا شایسته است در کشوری که نظام آن به‌نام اسلام و تشیع تاسیس شده است و بنیانگذار آن از ممتازترین شخصیت‌های فکری و معنوی و مبارزین و مجاهدین انقلابی بوده‌اند و با خون هزاران شهید والامقام منزلت یافته، به‌وسیله اقلیتی محدود به گونه‌ای جلوه یابد که گویی نظامی خشونت‌گراست؟

ادامه در صفحه ۶

یادداشت

در غیابِ حساب و کتاب!

محمد صادقی
روزنامه‌نگار

چندی قبل یکی از روزنامه‌ها که گزارش صدروزه رییس دولت یازدهم را سیاه‌نمایی علیه دولت احمدی‌نژاد نامیده بود (دولت در زنگ حساب، انشا خواند) وظیفه خود دانسته بود تا رییس دولت را از خواب شومی که اطلاح‌طلبان برایش دیده بودند بیدار کند و با اشاره به افشاگری‌هایش درسال‌های گذشته، درباره ثروت‌اندوزی‌ها و... با پرشی خیره‌کننده از روی اصل قضیه، یعنی عملکرد دولت احمدی‌نژاد که شعار اصلی‌اش عدالت‌محوری و پربارکردن سفره‌های مردم بود، در یادداشت روز خود نوشته بود: «در طول چهارسال دوم دولت آقای خاتمی مجموعا ۲هزار فرصت مطالعاتی به استادان و دانشجویان داده شده است و در دولت کنونی هر سال ۹هزار فرصت مطالعاتی و در مجموع چهارسال، بیش از ۳۶هزار فرصت مطالعاتی داده شده است، یعنی ۱۶ برابر دولت اصلاحات. از مجموع ۱۹۴هزار مقاله علمی ثبت‌شده در ISI، بیش از ۱۵۲هزار مقاله در دولت کنونی به ثبت رسیده و تنها ۴۲هزار مقاله علمی ثبت‌شده در ISI مربوط به دولت‌های قبلی بوده است. در مجموع چهارسال دولت آقای خاتمی، استادان و دانشجویان در سه‌هزار همایش بین‌المللی شرکت داشته‌اند و این رقم در دولت کنونی هر سال ۱۶هزار و در مجموع چهارسال اخیر ۶۴هزار همایش بوده است.» من هم درست متوجه نشدم که این آمارها چه معنایی دارند، ولی فکر می‌کنم اگر به چند اظهارنظر که در رسانه‌ها آمده توجه کنیم چیزهای بیشتری را متوجه خواهیم شد. یکی از نمایندگان مجلس در اوایل آذر ۱۳۹۲ در گفت‌وگو با فردانیوز گفت: درآمدهای دولت احمدی‌نژاد در طول هشت سال گذشته هزارمیلیارددلار بوده ولی مشخص نیست که بخشی از آن (یعنی ۱۵۰میلیارددلار) چه شده است! علی لاریجانی نیز چندی بعد در انتقاد از دولت نهم و دهم گفت: «مجموع بدهی‌های دولت بیش از ۱۵۰هزارمیلیاردتومان است که اینها مربوط به تحریم نیست، نشان می‌دهد که ما کشور را بد اداره کرده‌ایم» که با توجه به مسوولیت وی، جای بسی اندیشیدن دارد. اما حسن روحانی که یکبار در اردیبهشت ۱۳۹۲ گفته بود: «آیا اموری چون افزایش نقدینگی در جامعه و هفت‌برابر شدن آن و تبدیل ۶۸هزارمیلیاردتومان نقدینگی جامعه در عرض هفت‌سال به ۴۵۰هزارمیلیاردتومان ربطی به تحریم‌ها داشت؟ یا به مدیریت ضعیف مسوولان امر برمی‌گردد؟» در گزارش صدروزه خود از یک کابوس سخن گفت: «ما فکر می‌کردیم کالاهای اساسی برای سه، چهار ماه در انبارها وجود دارد ولی در آن گزارش که سه، چهار روز بعد از انتخابات به دست ما رسید قید شده بود که کشور از لحاظ کالاهای اساسی از جمله گندم دچار مشکلاتی است، مثلا در یکی از استان‌ها برای سه روز در سیلوها گندم وجود داشت... در سال ۹۱ ما تورم بالای ۴۰درصد و رشد منفی داشته‌ایم. این شرایط که در این حد رکود و تورم بالا باشد، در تاریخ ۵۰ساله کشور بی‌سابقه بوده... حداقل در بخش درآمدهای نفتی، درآمد نفتی ما حدود ۶۰۰میلیارددلار بوده که این رقم، بی‌سابقه است... دولتی که پولدارترین دولت بوده، متاسفانه بدهکارترین دولت نیز بوده است... بدهی دولت به سیستم بانکی در روزی که ما دولت را تحویل گرفتیم، بیش از ۷۴هزارمیلیاردتومان بوده است...

ادامه در صفحه ۶

یادداشت

طنز تلخ آماری

ناهید خداکرمی
رییس انجمن علمی مامایی ایران

این روزها با شگفتی مصاحبه‌هایی عجیب و اظهارنظرهای غیرکارشناسی که همراه با ارایه آمار و ارقام غیرمستند هستند، زیاد می‌شنویم. گویا اطلاعات غلط‌دادن و آمارهای خودساخته با جهش ژنتیکی در طی هشت‌سال و اندی به افراد بسیاری منتقل شده و شاید هم یک بیماری مسری بوده که چون واکسنی ندارد یا اگر هم دارد نتوانستیم با آن جامعه را واکسینه کنیم همچنان در حال گسترش است و از همه بدتر برخی گزارشگران رسانه‌ای نیز گویا در مدرسه روزنامه‌نگاری یاد نگرفته‌اند که برای دریافت خبر صحیح باید به کجا مراجعه کنند و چه عدد و رقمی قابل انتشار است. به عنوان مثال خبرنگاری برای تنظیم گزارشی در مورد بیماری‌های قلبی به رییس بیمارستان بیماری‌های عفونی مراجعه می‌کند و ایشان هم خیلی راحت شروع به ارایه گزارش می‌کند که بله «ایکس» درصد کودکان ایرانی بیماری قلبی دارند، گزارشگری برای گزارش مربوط به وضعیت اعتیاد سراغ مدیرعامل شرکت تولید داروهای ضداعتیاد می‌رود و ایشان با اعتمادبه‌نفس اعلام می‌کند «بیش از ۸۰میلیون‌نفر معتادند» و خبرنگار که با تعجب می‌پرسد جمعیت ایران که ۷۶میلیون‌نفر است! می‌گوید بچه‌های نسل آینده را نیز شمرده‌ام و ایشان قانع شده و خبر را منتشر می‌کند. منشی مرکز نازایی که خوب قاعدتا با جماعت نابارور سر و کار دارد اعلام می‌کند «ناباروری در ایران بیداد می‌کند و بیش از سایر کشورهای جهان است و عددی قابل باور نیز ارایه می‌دهد» و رسانه‌ها هم با توجه به اینکه خبرهای زادوولد مد روز است، شروع به پوشش خبری گسترده می‌کنند. خبرنگار سایت وزین خبری «ایگرگ» از جلو بیمارستان فارابی در حال ردشدن است که کودکی با آب‌مروارید مادرزادی را در آغوش مادر می‌بیند و عصر همان روز خبر داغی مبنی بر شیوع آب‌مروارید در کودکان ایرانی در صدر اخبار بخش سلامت اغلب رسانه‌های داخلی و خارجی قرار می‌گیرد، روانشناسی هم اعلام می‌کند بیش از نیمی از زنان کشور افسردگی دارند، متخصص جراحی بینی‌های مصنوعی هم اظهار کرده‌اند که ۷۰درصد پسران ایرانی دماغشان قوز دارد و باید بینی مصنوعی بکارند یا گلایه می‌کنند که چرا این بینی‌های پلاستیکی زودتر وارد بازار تجهیزات پزشکی نمی‌شود وگرنه کشور با بحران کمبود دستگاه‌های ام‌آرآی مواجه می‌شود. همکار متخصص انجمن - «میم. الف»- نیز فیلسوفانه از زگیل تناسلی می‌گوید. اینکه این زگیل از ایدز هم خطرناک‌تر است و چرا واکسنش را وارد نمی‌کنند. همسایه کلینیک سرطان‌شناسی که همه بیمارانش قاعدتا سرطان دارند و از صبح از پشت پنجره رفت‌وآمد بیماران را تماشا می‌کند با هیجان اعلام می‌کند که سرطان در ایران بیداد می‌کند. بخصوص خانم‌های زیر ۴۰سال که همه‌شان سرطان پستان و رحم گرفته‌اند. دلیلش هم این است که پارسال روزی یک مریض سرطانی زیر ۴۰سال به کلینیک می‌آمد ولی امسال روزی سه‌نفر را می‌بینم، از همه بدتر یک کارمند اتاق عمل در یک مصاحبه با یکی از خبرنگاران باشگاه خ.ج خبری محرمانه را لو می‌دهد مبنی بر اینکه اکثر مردم ایران عملی شده‌اند و روزی ۳۰-۲۰نفر دارند عمل می‌شوند. خلاصه بلبشویی برپاست که مپرس! حالا اگر این وسط یک نفر هم بیاید و بپرسد منشا این اطلاعات کجاست یا نتیجه کدام پژوهش است؟

ادامه در صفحه ۶

انالله و انا الیه راجعون
مراسم ختم
مرحوم سید صادق موسوی
فرزند حاج سیدباقر موسوی
(نماینده ادوار پنجم و ششم بویراحمد در مجلس شورای اسلامی)
یکشنبه ۹۲/۱۰/۸
ساعت ۱۳:۳۰ الی ۱۵ در مسجد نور میدان فاطمی تهران برگزار می‌گردد.
حضور و قدومتان موجب تسلی و امتنان است
خانواده و دوستان

«السلام علیکم یا اهل بیت النبوه و موضع الرساله»
برنامه مراسم سخنرانی و عزاداری در حسینیه حضرت فاطمه‌الزهرا (س) تهران در دهه سوم ماه صفر

۹۲/۱۰/۷	شنبه (شب ۲۶صفر)	حجت‌الاسلام‌والمسلمین آقای رسول منتجب‌نیا
۹۲/۱۰/۸	یکشنبه (شب ۲۷صفر)	آیت‌الله سید محمدعلی ایازی
۹۲/۱۰/۹	دوشنبه (شب ۲۸صفر)	حجت‌الاسلام‌والمسلمین آقای دکتر محسن رهامی
۹۲/۱۰/۱۰	سه‌شنبه (شب ۲۹صفر)	حجت‌الاسلام‌والمسلمین آقای مسعود ادیب
۹۲/۱۰/۱۱	چهارشنبه (شب ۳۰صفر)	حجت‌الاسلام‌والمسلمین آقای علی یونسی

شروع مراسم ساعت ۷ شب بوده و علاوه بر سخنرانی شامل اجرای برنامه توسط هنرمندان و شعرای آئینی مداحان اهل بیت (ع) می‌باشد.
آدرس: تهران، پیچ شمیران، اول خیابان دکتر شریعتی، جنب بانک ملت، پلاک ۴۰، حسینیه حضرت فاطمه‌الزهرا (س)

معرفی آژانسهای مسافرتی هتلها و مراکز گردشگری
پارسیان مهر گشت ۸۸۸۴۹۹۷۵
تلفن سازمان آگهی ها ۸۸۱۹۲۸۷۷
راه سبز ۸۸۱۰۶۸۶۸

رجوع به صفحه ۱۳

هاکوپیان
www.HACOUPIAN.net

برادر گرامی جناب آقای سیدباقر موسوی جهان آباد
با نهایت تاثر، مصیبت درگذشت فرزند دلبندتان را صمیمانه تسلیت عرض می‌نماییم. از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و خانواده محترم صبر آرزومندیم.
مهدی رحمانیان، داود کرمی، شهاب‌الدین طباطبایی، سعید لیلاز